



## تاریخچه ی مسجد و مدرسه مرحوم آیت الله العظمی حاج سید صادق قمی روحانی

سید حسین کشفی

### بخش اول

#### مقدمه

«شهر مقدس قم، از سده های آغازین اسلامی تاکنون، آکنده از عالمان و فرزندان بوده است. فقیهان، محدثان، مفسران و فیلسوفان این شهر دانش اسلامی را حفظ کردند، پرورش دادند، به دست آیندگان رساندند و در حفظ باورهای دینی مردم کوشیدند. از شمار این فرزندان - که هم اکنون نیز زبانزد مردم قم و شهره شهر است -، مرحوم آیت الله حاج سید صادق قمی است. وی مرجع دینی مردم در نیمه نخست قرن ۱۴ هـ.ق، فقیهی متنفذ و رئیسی مطاع بود. او پایه گذار بیت شریف «روحانی» و بنیانگذار مسجد و مدرسه حاج سید صادق در قم است، که همه آنها بیش از یک صد سال است که در قم، منشأ اثرند.»

حوزه علمیه قم

در این مقاله، به گوشه ای از زندگی وی و تاریخچه مسجد و مدرسه حاج سید صادق (امام صادق علیه السلام) - که از خدمات دینی و اجتماعی ایشان بود - اشاراتی می رود.

### ۱. گذری بر زندگی

«آیت الله حاج سید صادق قمی، در یکی از بیوت اصیل و متدین قم در سال ۱۲۵۵ هـ ق زاده شد. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی، به تشویق پدرش، حاج میرزا زین العابدین که اهل علم و دانش بود، علوم دینی را فراگرفت و تا ۱۸ سالگی مقدمات را پایان برد.»





آن مرحوم پس از فراگیری ادبیات، همراه با دوست و هم بحثش، مرحوم آیت الله ملا غلامرضا قمی (صاحب کتاب قلائد العقیان، حاشیه ی مشهور بر فرائد الاصول شیخ انصاری)، در سال ۱۲۷۳ هـ ق به اصفهان هجرت کرد و تا سال ۱۲۷۵ هـ ق، در آن جا اقامت گزید و از محضر استادان آن سامان بهره ی فراوان برد. سپس، وی در سال ۱۲۷۶ هـ ق به تهران رفت و نزد فیلسوف سترگ، آقا علی مدرس زنوزی تبریزی، به مدت چهار سال حکمت و فلسفه آموخت. معظم له در حدود سال ۱۲۷۹ هـ ق همراه دوست دانشمندش، آیت الله ملا غلامرضا، به نجف اشرف رهسپار شد. در طول اقامت ۱۹ ساله در نجف و سامرا، به درس فقه و اصول بزرگانی همچون شیخ انصاری، میرزا محمد حسن شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی حاضر شد و از محضر آنان توشه های بسیار گرفت.

مرحوم آیت الله حاج سید صادق، در سال ۱۲۹۸ هـ ق با هم بحث خویش آیت الله ملا غلامرضا، به زادگاهش بازگشت و مورد توجه و تکریم عالمان بزرگ قم به ویژه مرحوم آیت الله حاج سید جواد قمی (مجتهد متنفذ شهر قم، متوفی ۱۳۰۳ هـ ق) قرار گرفت. حاج سید جواد قمی، با حاج سید صادق جلسات مباحثه خصوصی برقرار کرد و او را وصی خود قرار داد. پس از وفات سید جواد قمی، یگانه مرجع حل مرافعات، فصل خصومات و رفع دعاوی مردم محسوب می شد و همه عقود و اسناد به مهر و امضای او می رسید.

معظم له در شهر مقدس قم به خدمات بسیار علمی و دینی مانند: تدریس، تالیف، احیاء و ترویج وقف و تشیید موقوفات و اقامه جماعت و وعظ و ارشاد مردم پرداخت. یکی از آثار ماندگارش بنیاد مسجد و مدرسه (حاجی سید صادق) - امام صادق کنونی - واقع در خیابان چهارمردان است که هم اینک محل تحصیل طلاب علوم دینی و اقامه نماز مومنین میباشد.

فرزندان وی (حضرات آیات: حاج سید محمود، حاج سید ابوالحسن، حاج سید فخرالدین، حاج سید ابوالقاسم و حاج سید احمد) و نوادگان پسری و دختری اش در طول یکصد سال





گذشته، همه از علما و فقها و مراجع تقلید قم بوده اند. آیت الله حاج سید صادق، پس از ۸۳ سال زندگی آکنده از خدمات دینی و اجتماعی در پنج شنبه پنجم ماه ربیع الاول ۱۳۳۸ هـ ق بدرود حیات گفت و پس از یک تشییع با شکوه، در سمت شمال مرقد میرزای قمی در قبرستان شیخان کبیر به خاک خفت.<sup>۱</sup>

## ۲. تاریخچه مسجد

از جمله آثار ماندگار مرحوم آیت الله حاج سید صادق قمی بنای مسجد و مدرسه عظیم و فخیم در نزدیکی خانه مسکونی خود در محله سلطان محمد شریف است، که با گذشت بیش از یک قرن تاکنون استوار و پا برجاست. ساخت مسجد و مدرسه در زمانی که مردم قم در نهایت فقر بودند، نشان از جایگاه والای او نزد قمیها دارد.

### آیت الله العظمی شبیری زنجانی در این باره گوید:

«مرحوم حاج سید صادق در قم خیلی موجه بود، هم ملا بود و هم به قضا و رسیدگی به کارهای مردم می پرداخت. ایشان مورد ارادت خیلی شدید قمیها بود. ساختن مدرسه علمیه به همت ایشان، در آن تاریخ که انگلیسها نفت ایران را می بردند و پول نبود و قمیها در نهایت فقر بودند، نشان دهنده این است که نزد قمیها خیلی موجه بود.»<sup>۲</sup>

۱. انصاری قمی، ناصر الدین، اختران قم، ص ۱۶۲، با تلخیص و اضافات.

۲. شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه ای از دریا، ج ۲ ص ۷۰۱ و ۷۰۲ با تلخیص.





«مرحوم حاج مرتضی گائینی<sup>۱</sup> چهار باب خانه ملکی خود را برای ساخت مسجد و مدرسه در اختیار آقا [مرحوم آیت الله حاج سید صادق] قرار داد و آن مرحوم هم به بنای آن همت گماشت.»

۲

سال ۱۳۱۱ ق شروع ساخت مسجد است و بنیاد مسجد بعد از دو سال در سال ۱۳۱۳ ق به پایان رسید.<sup>۳</sup>

مرحوم حاج میرزا عباس فیض در رابطه با خصوصیت های بنای مسجد، می نویسد:

«این مسجد مرکب از شانزده طاق چشمه پوش بر فراز ستون های سنگی استوانه ایست، که با ازاره اش سنگی و جرز و جدارش آجری بطول تقریبی سی در ده متر است که بدون مقصوره میباشد. و جلو مسجد ایوانی است به دهانه ۸ و عرض ۵ و ارتفاع ۱۰ متر نیز با ازاره سنگی و جدار آجری و پوشش رسمی بندی و در کمرگاه آن کتیبه ایست الحاقی تعمیری از کاشیهای خشتی زمینه لاجوردی که روی آن به خط سفید نستعلیق آیه الکرسی و در پایان آن عبارت (کارنخانه محمد کبیری تاسیس ۱۳۳۳ شمسی) نوشته شده است. و در بدنه طاقبند جلو در میانه کاشیکاری معقلی آن با کاشیهای الوان، اسامی جلاله و با نامهای محمد و علی خوانده میشود.»<sup>۴</sup>

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)

طرح مسجد، با الهام از بنا و نقشه مسجد جامع قم - واقع در خیابان آذر - صورت گرفته است.<sup>۵</sup> صیغه مسجد برای سطح زمین آن خوانده شده است، اما برای طاقچه ها و پشت بام آن صیغه



۱. حاج مرتضی بیگ کابینی فرزند مرحوم کربلایی حیدر، یکی از واقفان مسجد و مدرسه نیز می باشد. وی، مزرعه موسوم به خداآفرین از مزارع وناج را در سال ۱۳۱۴ ق - یعنی یک سال پس از بنیان مسجد - وقف مخارج مسجد و مدرسه و عزاداری در مسجد کرده است.

۲. فیض قمی، عباس، گنجینه آثار قم، ج ۲ ص ۷۰۹.

۳. روحانی، سید مهدی، سرالسعادة، مقدمه، ه.

۴. فیض قمی، عباس، گنجینه آثار قم، ج ۲ ص ۷۰۹.

۵. مصاحبه شفاهی با حجة الاسلام والمسلمین محمد علی شاه آبادی، به نقل از مرحوم آیت الله حاج سید مهدی روحانی.



مسجد جاری نگردیده است.<sup>۱</sup> نام مشخصی بر بنای مسجد گذارده نشد، و لذا معروف به مسجد «آقا» و هم چنین مسجد «حاج سید صادق» گردید.

### مرحوم حاج میرزا عباس فیض می نویسد:

«منظور از (آقا) مرحوم آیت الله حاج سید صادق [قمی] روحانی است که مباشر و مسبب ساختمان این مسجد بوده است.»<sup>۲</sup>

آیت الله حاج شیخ نصر الله شاه آبادی - که نواده دختری مرحوم حاج سید صادق می باشند - گویند :

«وجه تسمیه مسجد به (مسجد آقا) اشاره به جریان تشریف حاج سید صادق به محضر امام زمان (علیه السلام) در همین مسجد دارد. و لذا مراد از (آقا) ، حضرت حجت سلام الله علیه می باشد.»<sup>۳</sup>

### ۱-۲ دیدار یار در مسجد

آری ، مرحوم آیت الله حاج سید صادق یکی از سعادت‌مندان است که توفیق تشریف به محضر مقدس حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه در مسجدی که خود تاسیس کرد را یافت، و داستان آن در کتاب عبقری الحسان ذکر شده است.

آیت الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در این باره در کتاب شریف عبقری الحسان می نویسد:

۱. مصاحبه شفاهی با آیت الله حاج شیخ نصر الله شاه آبادی، به نقل از مرحوم آیت الله حاج سید مهدی روحانی.

۲. فیض قمی، عباس، گنجینه آثار قم، ج ۲ ص ۷۰۹.

۳. مصاحبه شفاهی با آیت الله حاج شیخ نصر الله شاه آبادی





«خبر دادند ما را عالمانِ عاملان حاج سید محمود و حاج سید احمد قمیان نجلان زکیان العالم العلامة حاج سید صادق قمی طیب الله رمسه - که از اجلاء اصحاب محقق رشتی صاحب بدایع الاصول و از مهاجرین بناحیه مقدسه سر من رای بجهت استفاده از سیدنا الاستاد الاعظم المجدد قدس سرهما بودند - و نوشتند از برای حقیر : بسم الله الرحمن الرحیم، و ممن تشرف بالسعادة العظمی و نال بالمرتبه الكبرى العالم المؤید الربانی کاشف الرموز و الدقائق الحاج سید محمد صادق القمی نورالله مضجعه ، و قضیه ی او آنکه حکایت کرد برای ما بنده ی متقی الموثوق الموسوم به ملا حبیب الله مؤذن مسجدی که آن مرحوم تأسیس نمود، گفت : عادت من این بود که قبل از فجر به یک ساعت می آمدم به مسجد و نافله ی شب را در مسجد به جا می آوردم در سرما، و بر پشت بام مسجد در گرما و بعد از أداء نافله بر سطح ایوان مرتفع، بالا می رفتم و قبل از اذان قدری اشعار مناجات می کردم و چون وقت داخل می شد اذان می گفتم و فرود می آمدم و این عادت من بود قریب به بیست سال. شبی از شب ها که شب تاریکی بود و بادها می وزید به عادت خود آمدم در مسجد، دیدم در مسجد باز است و یک روشنایی در مسجد دیدم که گمان کردم در مسجد را خادم نبسته و چراغ را خاموش نکرده است پس داخل مسجد شدم که تحقیق مطلب نمایم، دیدم سیدی به زی علمای ایران در محراب مشغول نماز است و آن روشنایی که ساطع است از روی مبارک آن سید است نه از چراغ، پس تفکر در آن سید و روی نورانی او می نمودم و چون از نماز فارغ شد توجه به من نمود و مرا به اسم صدا زد و گفت: به آقای خود بگو بیاید. پس بلا تأمل اطاعت امر او را نمودم و رفتم که مرحوم حجة الإسلام را خبر کنم، چون به در خانه رسیدم و ایستادم در را به آرامی کوبیدم دیدم آن مرحوم عقب در ایستاده است معمماً، گویا می خواهد از خانه بیرون بیاید. سلام کردم و گفتم سید عالمی در مسجد است و شما را می خواهد و احضار نموده است. فرمود: آیا شناختی او را؟ گفتم: نشناختم او را لکن از علمای ولایت ما نیست و چقدر صورت او نورانی است و من همچو صورت نورانی در مدت عمرم ندیدم و جواب من نمی دادند. پس با ایشان بودم تا داخل مسجد شدند، پس دیدم تأدب می کند







نسبت به آن سید به یک تأدب و خضوع و تذلل و سکونی. پس به او سلام کرد و نزدیک شد به او و نشست و مذاکره با او نمود و بعد از مقدار زمانی آن سید از مسجد خارج شد و تعجب کردم از خضوع ایشان بالنسبه به آن سید. و چون آن سید از مسجد خارج شد سؤال نمودم از ایشان: که این سید که بود؟ و به چه جهت به این حد بالنسبه به او خضوع نمودید؟ رو به من نمود و فرمود: نشناختی او را؟ گفتم: نشناختم. پس موثیق مؤکده از من گرفتند که در مدت حیات ایشان بروز ندهم. فرمود: آن مولای من و مولای تو حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله فرجه الشریف بود. پس من ایشان را گذاردم و دویدم به سوی در مسجد، دیدم در مسجد بسته است و مسجد تاریک است و احدی در مسجد نیست و از کلام حضرت با ایشان نفهمیدم چیزی جز اینکه امر فرمود به إقامه ی جماعت در نماز صبح و اول فجر. و ملا حبیب الله این مطلب را بروز نداد مگر بعد از وفات حجه الإسلام والد و قسم به قرآن کریم خورد سه مرتبه بر صدق این قضیه.<sup>۱</sup>

### آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی در این باره می فرمایند:

«تشریف مرحوم سید صادق خدمت امام زمان علیه السلام را مکرر نقل کرده اند، و در این نقل ها از همه مهمتر نقل مرحوم آشیخ ابوالقاسم کبیر قمی<sup>۲</sup> است، آشیخ ابوالقاسم هم ملا بود، هم متدین بود، هم معرض از دنیا بود. و همه ایشان را قبول داشتند.»<sup>۳</sup>

مرحوم آیت الله حاج سید مهدی روحانی در مورد تشریف مرحوم جدشان آیت الله حاج سید صادق، می فرمایند:

«من از پدرم در مورد این قضایا و شهرت آنها پرسیدم. پدرم - با این که خیلی مقدس بود، اما به نظرم در این گونه مسائل خیلی محتاط و روشنفکر بود و به آسانی قبول نمی کرد - فرمود: پدر

۱. نهایندی، علی اکبر، المسک الاذفر (مندرج در کتاب «عبری الحسان»)، ص ۱۱۹ - ۱۲۰

۲. مرحوم آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی (۱۲۸۱-۱۳۵۳ هـ ق)

۳. مصاحبه شفاهی با آیت الله العظمی روحانی، سال ۱۳۹۰ ش





من - مرحوم حاج سید صادق - از نظر مقام قدس و تقوا و ورعی که داشت ، این گون مسائل از او به دور نیست، و ایشان این قابلیت را داشت که خدمت امام زمان برسد. اما این قضایا را که نقل می کنند، من خبر ندارم.»<sup>۱</sup>

با توجه به موقعیت معنوی و عرفانی معظم له است، که مردم قم کرامت های بسیاری را از ایشان نقل کرده اند. از جمله مرحوم حاج شیخ عباس مداح قمی - متخلص به محتاج - در کشکول خود می نویسد:

«حضرت آیت الله آقای [حاج سید صادق قمی] روحانی که از بزرگان علمای قم بود، و حاج شیخ جعفر نامی بود، خدمتکار تولیت حضرت معصومه علیها السلام، نقل کرد که آقای حاج سید صادق روحانی فرستاد نزد من که بیا و من رفتم در خدمت ایشان و بعد از سلام و تعارف فرمود: برای یک نفر به حج برو و پولی که به تو می دهم برای حج، صاحب این پول در آتش است، می دهم به تو که تو او را از آتش بیرون بیاوری، کاری نکنی که خودت هم در آتش بروی، عرض کردم: به چشم. بعد از اینکه به حج رفتم و تقصیری از من سر زد و بایستی تلافی کنم، اعتنا نکردم. وقتی خوابیدم در عالم خواب دیدم، آقای حاج سید صادق تشریف آورد و با غضب با عصای خود به من زد و فرمود: حاج شیخ جعفر! من به تو گفتم، صاحب پول را از آتش بیرون بیاور، نه اینکه خود را هم در آتش بیندازی. من از ترس از خواب بیدار شدم و خود را مهیا کردم که تلافی تقصیر کنم بعد که به قم آمدم و خدمت آقا رفتم سلام و تعارف کردم. فرمود: صاحب پول را از آتش در آوردی؟ عرض کردم: بلی ؛ فرمود برو دعای آن را به آن عصا بکن که در خواب به تو زدم. من متحیر شدم.»<sup>۲</sup>



۱ . انصاری قمی، ناصر الدین، اختران قم ص ۱۶۸ با اضافات. (مصاحبه شفاهی حجج اسلام ناصر الدین انصاری قمی و جواهر کلام با مرحوم آیت الله حاج سید مهدی روحانی)

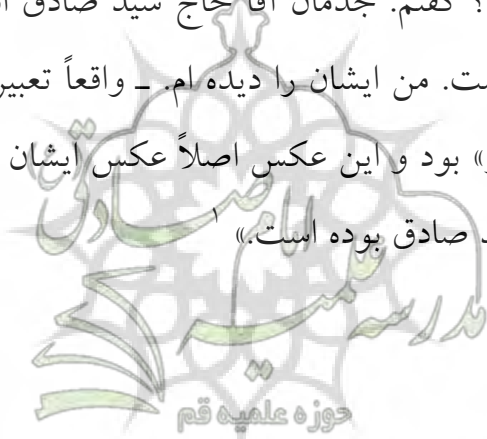
۲ . مداح قمی، عباس، کشکول محتاج، ص ۱۷۳.





آیت الله حاج شیخ نصر الله شاه آبادی در رابطه با مقام معنوی مرحوم آیت الله حاج سید صادق گویند:

«مرحوم حاج سید صادق خیلی جنبه روحانی و معنوی فراوانی داشته و معروف به قدس و ورع و تقوا بوده است. اتفاقاً از ایشان فقط یک عکس باقی مانده است. مرحوم محمد آقای معینی - که از مسجدی های مرحوم پدر بود - نقاش بود، ایشان آمد و عکس مرحوم حاج سید صادق را نقاشی کرد. این عکس در خانه ما بود. یادم هست وقتی می خواستم نجف مشرف بشوم، مرحوم آیت الله سید کاظم عصار به منزل ما جهت خداحافظی تشریف آوردند. وقتی این عکس را دیدند، فرمودند: این عکسی کی هست؟ گفتم: جدمان آقا حاج سید صادق است. فرمودند: این را بردار. این عکس حاج سید صادق نیست. من ایشان را دیده ام. - واقعاً تعبیر ایشان بود که می فرمود: - حاج سید صادق «یک قلمبه نور» بود و این عکس اصلاً عکس ایشان نیست - یعنی آن نور تقوا و فضیلت ایمانی مرحوم حاج سید صادق بوده است.»



## ۲-۲. ائمه جماعات مسجد

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)

در طول بیش از صد و بیست سال که از تاسیس مسجد می گذرد، افراد مختلفی از روحانیون در مسجد اقامه جماعت کرده و مشغول فعالیت دینی و مذهبی بوده اند. به پاس زحمات آنان اشاره ای به زندگی نامه آنان می رود.

الف. مرحوم آیت الله حاج سید صادق قمی (از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۸ هـ ق)

ب. مرحوم آیت الله حاج سید محمود روحانی (از سال ۱۳۳۸ تا حدود ۱۳۷۵ هـ ق)

۱. شاه آبادی، نصر الله، خاطرات (آماده چاپ)





پس از وفات مرحوم حاج سید صادق، دو فرزند ایشان حضرات آیات حاج سید محمود و حاج سید ابوالحسن روحانی در مسجد اقامه جماعت می کرده اند.

«مرحوم آیت الله حاج سید محمود روحانی در سال ۱۳۰۷ ق، در بیت علم و فضیلت زاده شد. ایشان پس از دوران کودکی، ادبیات و مقدمات علوم را نزد شیخ محمد حسین علامه (م ۱۳۵۷ق)، و سطوح را نزد حضرات آیات: شیخ حسن فاضل، ملاغلامرضا قمی، حاج آقا احمد طباطبایی قمی آموخت و در سال ۱۳۳۰ق رهسپار نجف اشرف شد و از درس آیات عظام: میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی بهره های فراوان برد، سپس به مشهد مقدس عزیمت کرد و مدتی چند از درسهای آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی (عموی همسرش) - چون مرحوم آقای روحانی، داماد استادش حاج آقا احمد قمی بوده است - استفاده کرد و پس از آن به زادگاهش بازگشت و به تحصیل حکمت و فلسفه نزد مرحوم میرزا علی اکبر حکمی یزدی پرداخت. معظم له، از آن جماعتی هستند که برای آوردن آیت الله حائری با عده ای از فضلاء قم به اراک شتافته و حدود نه ماه در آنجا اقامت نموده و با مرحوم حاج شیخ حسین قمی نجار، ایستادگی و جدیت نموده اند تا بالاخره قهرا نائل به مقصود خود شده، بار فضیلت علم و کمال آیت الله حائری را در شهر دینی خود فرود آوردند. وی از سال ۱۳۴۰ق تا زمان وفات آیت الله حائری (۱۳۵۵ق) یکسره به درس فقه و اصول ایشان شرکت جست و مبانی علمی اش را استوار ساخت و پس از وفات حاج شیخ یکی از معروفین و محترمین علمای قم بود که سالیان فراوان به تدریس و اقامه جماعت در مسجد پدرش - مسجد حاج سید صادق - و رتق و فتق امور مردم پرداخت و در کانون توجه حوزه علمیه قم بود. آن مرحوم در روز جمعه ۱۹ شعبان ۱۳۸۱ق (۶ بهمن ۱۳۴۰ش) در قم بدرود حیات گفت و پس از نماز فرزندش آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی، پیکرش در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه سلام الله علیها در خاک خفت. معظم له، والد بزرگوار آیات عظام: سید محمد روحانی و سید محمد صادق روحانی و مرحوم آقای دکتر سید مهدی روحانی





بوده است. و دامادش مرحوم آیت الله سید موسی مازندرانی صاحب کتاب (العقد المنیر فی ما یتعلق بالدرهم و الدنانیر) بوده است.<sup>۱</sup>

ج. مرحوم آیت الله حاج سید ابوالحسن روحانی (از سال ۱۳۳۸ تا حدود ۱۳۷۵ هـ ق)

«آیت الله حاج میرزا ابوالحسن روحانی، دومین فرزند مرحوم آیت الله حاج سید صادق قمی بوده است. او در سال ۱۳۰۹ ق در قم زاده شد و پس از تکمیل سطوح در ۱۳۳۰ ق، رهسپار نجف اشرف شد و سطوح عالی (رسائل و کفایه) را نزد آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی فراگرفت. سپس به قم باز آمد و در مجلس درس آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی سالیان فراوان شرکت جست و مبانی علمی اش را استوار ساخت.»<sup>۲</sup>

معظم له سالها در مسجد مرحوم پدرش - مسجد حاج سید صادق - اقامه جماعت کرد. خدمات اجتماعی و رسیدگی به مردم در کنار قدس و ورع و تقوا، از ایشان شخصیتی کم نظیر پدید آورده بود که ارادت و محبت و تکریم دلهای بی شماری را به خود جلب می کرد.

آیت الله العظمی شبیری زنجانی در رابطه با شخصیت آن مرحوم گوید:

«حاج میرزا ابوالحسن پدر آقای حاج سید مهدی از علمای بزرگ و به تقوا خیلی معروف و آقای حاج شیخ او را تعدیل کرده بود. چون از حاج شیخ در مورد امام جماعت پرسیده بودند، و مرحوم حاج شیخ ایشان را معرفی کردند و فرمودند: پشت سر ایشان نماز بخوانید.»<sup>۳</sup>

۱. انصاری قمی، ناصر الدین، اختران قم، ص ۴۹۷ با تلخیص و اضافات.

۲. انصاری قمی، ناصر الدین، اختران قم، ص ۵۰۱

۳. شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه ای از دریا، ج ۳، ص ۷۲۰ (باورقی) و مصاحبه شفاهی با معظم له





پس از سالها اقامت در قم، به عشق امیر المومنین علی علیه السلام اقامت در نجف را برگزید و در ۷۳ سالگی روز دوشنبه ۶ ذی القعدة ۱۳۸۲ق (۱۲ فروردین ۱۳۴۲ش) بدرود حیات گفت و در قبرستان وادی السلام - نجف - نزدیک مقام هود و صالح به خاک خفت.

معظم له، والد بزرگوار حضرات آیات حاج سید مهدی روحانی و حاج سید هادی روحانی بوده است. داماد هایش حضرات آیات: مرحوم حاج سید محسن حجت کوهکمری، مرحوم حاج شیخ فخر الدین مصدر الامور، و حاج شیخ نصر الله شاه آبادی و مرحوم سید ابوالقاسم میرزایی و مرحوم آقای سعید صفایی بوده اند.

د. مرحوم آیت الله حاج سید مهدی روحانی (از سال ۱۳۷۵ تا ۱۴۲۱ هـ ق)

«فقیه معظم حضرت آیت الله آقای حاج سید مهدی روحانی (قدس سره الشریف) در ۲۱ ذی الحجة سال ۱۳۴۳ ق (۱۳۰۴ ش) در بیت علم و فضیلت و فقاہت در شهر مقدس قم به دنیا آمد. والد بزرگوارش، مرحوم آیت الله حاج سید ابوالحسن روحانی، یکی از علمای محترم قم بود. والدۀ ماجدش، صبیہ مرحوم آیت الله حاج سید فخرالدین حسینی سیدی قمی بود. فقید سعید، پس از دوران کودکی و نوجوانی، در اوج استبدادِ رضا خانی - که کیان حوزه های علمیه در خطر بود و کمتر کسی به تحصیل علوم دینی رغبت می کرد - به فراگیری دانش دینی روی آورد و عمده ادبیات و سطوح را نزد آیت الله شیخ عبدالرزاق قائینی آموخت. در نوزده سالگی (۱۳۶۲ هـ ق) به نجف اشرف مهاجرت کرد و بخش اعظم سطوح عالی را از حضرات آیات میرزا حسن یزدی، سید یحیی مدرسی یزدی و میرزا باقر زنجان‌ی فرا گرفت و در بازگشت به قم (۱۳۶۳ ق) قسمت های برجای مانده رسائل را از حضرت امام خمینی و مکاسب را از آیت الله قائینی و بخشی از جلد اول کفایه را از آیت الله حاج شیخ محمد علی حائری کرمانی، آموخت. و در همان زمان مرتب به درس اخلاق حضرت امام خمینی - که در مدرس زیر کتابخانه فیضیه برگزار می شد - می رفت و از انفاس قدسی آن بزرگ مرد بهره های فراوان برگرفت. سپس در محضر آیات





تاریخچه ی مسجد و مدرسه مرحوم آیت الله العظمی حاج سید صادق قمی روحانی

عظام : حجت کوهکمری (خارج اصول) ، بروجردی (خارج فقه)، محقق داماد (فقه صلاه و اصول)، سید احمد خوانساری (شرح تجرید) و علامه طباطبایی (شرح منظومه)، حاضر شد و در فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر بهره های فراوان برد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. معظم له همزمان به تدریس سطوح عالیہ پرداخت و شاگردان فراوان پرورش داد و بیش از پنجاه سال به مباحثه فقه و تفسیر با آیات معظم : شبیری زنجانی، میر محمدی، احمدی میانجی، آذری قمی، پایانی ، حقی ، موسوی زنجانی و گاه با آقایان : شهید بهشتی ، سید موسی صدر و موسوی اردبیلی نیز پرداخت. معظم له، در کنار مطالعات رایج حوزه های علمیه - فقه و اصول - به تحقیق در علوم: تفسیر ، حدیث ، تاریخ، کلام و مذاهب اسلامی پرداخت و یکی از صاحب نظران برجسته علوم اسلامی در حوزه علمیه قم به شما می رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در جهت تقویت و حمایت از نظام از هیچ کوششی فروگذار نکرد و در این راستا، سه بار به نمایندگی مردم استان های مرکزی و قم، در مجلس خبرگان رهبری برگزیده شد. نیز آن گاه که حرامیان بعثی بر کیان جمهوری اسلامی، هجوم آوردند، فرزندان برومندش - حجت الاسلام آقای سید علی روحانی و مهندس سید محمد روحانی - را بارها به جبهه های نبرد اعزام کرد تا آن گاه که پیکر غرقه به خون و جسد لاله گون سید علی را برایش به ارمغان آوردند. (اسفند ۱۳۶۲). او در عین حال، فقیهی دلسوز به حال جامعه و عالمی عامل به دستوره های دینی بود. از بام تا شام، در خانه اش - که یادگار بیت یکصد ساله فقاهت و مرجعیت و ریاست عامه قم بود - به روی همگان باز بود و با صبر و حوصله تمام، به مشکلات مردم رسیدگی می کرد و بسیاری از خانواده های نیازمند را تحت سرپرستی و عنایت خود قرار داده بود. او در میان مردم قم - به دلیل سابقه خانوادگی و زهد و تقوا و ویژگی های ممتاز خود - جایگاهی والا داشت و مسجدش - که هر سه وعده صبح و ظهر و شب اقامه جماعت می کرد - محل اجتماع مردم متدین بود. زندگی اش بسیار ساده و نشانه های بی اعتنایی به زخارف دنیوی از آن نمایان بود و به حق می





توان گفت: رفتار و کردار و زندگی اش، یادآورِ زندگی پیشوایان دین و ائمه طاهرین علیهم السلام بود. از آن فقیه بزرگوار، آثاری چند در تفسیر و حدیث و کلام برجای مانده است.<sup>۱</sup> سرانجام آن فقیه پارسا، در روز پنجشنبه ۳ آذر ۱۳۷۹ (۲۶ شعبان المعظم ۱۴۲۱) در ۷۷ سالگی چشم از جهان فروبست و به اجداد طاهرینش پیوست.<sup>۲</sup>

ه. حضرت آیت الله حاج شیخ نصر الله شاه آبادی (از سال ۱۴۲۱ تا ۱۴۳۶ هـ ق)

حضرت آیت الله حاج شیخ نصرالله شاه آبادی، فرزند فقیه و عارف بزرگ حضرت آیت الله العظمی میرزا محمدعلی شاه آبادی و بانو علویه مریم روحانی (فرزند آیت الله العظمی آقای حاج سید صادق قمی روحانی) در تاریخ ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۵۰ هجری قمری در بیت علم و فضیلت، متولد گردید و تحت تربیت پدر بزرگوار و مادر محترمه خویش قرار گرفت.

معظم له دوره ابتدایی را در تهران دبستان توفیق گذرانده و سپس با راهنمایی والد معظم خویش، آغاز به تحصیل علوم دینی نمود. دوره مقدمات و سطح را نزد اساتید بزرگ تهران چون حضرات آیات حاج شیخ حسین کنی، حاج شیخ محمدعلی لواسانی، میرزا ابوالحسن شعرانی، سید کاظم عصار، میرزا مهدی آشتیانی (فیلسوف شرق) حاج سید حسن احمدی علون آبادی، میرزا هدایت الله گلپایگانی و حاج شیخ عباس تهرانی، باتمام رسانید.

معظم له پس از رحلت والد معظم (۱۳۲۸ ش) به حوزه علمیه قم وارد شد و در درس حضرات آیات عظام حجت کوه کمره ای، حاج آقا حسین بروجردی، حاج سید محمد تقی خوانساری و شیخ عباسعلی شاهرودی شرکت نمود. ایشان، برای ادامه تحصیل به نجف اشرف عزیمت نمودند. پس از ورود به نجف اشرف (سال ۱۳۳۰ق) در دروس حضرات آیات عظام سید ابوالقاسم خویی،

۱. برخی از آنها مانند: «بحوث مع اهل السنة و السلفية»، «فرهنگ جامع فرق اسلامی»، «الوتر ثلاث رکعات»، «احادیث اهل البيت عن طرق اهل السنة»، به چاپ

رسیده، و برخی دیگر هنوز به چاپ نرسیده است.

۲. انصاری قمی، ناصر الدین، عالم ربانی (یادنامه آیت الله حاج سید مهدی روحانی) ص ۱۳ با تلخیص و اضافات





تاریخچه ی مسجد و مدرسه مرحوم آیت الله العظمی حاج سید صادق قمی روحانی

سید محمد روحانی، سیدعبدالهادی شیرازی، شیخ حسین حلی حاضر شدند و با نبوغ علمی که داشتند به درجات عالی از علم و فقاہت رسیدند و موفق به اخذ اجازه اجتهاد از استاد خود مرحوم آیت الله العظمی خوئی شدند.

آیت الله شاه آبادی همزمان به تدریس دروس سطوح عالی در حوزه علمیه نجف اشرف پرداختند و جزو اساتید بنام آن حوزه هزارساله قرار گرفتند، که طلاب و فضلاء بسیاری از خرمن دانش معظم له بهره مند گردیدند. معظم له با ورود امام راحل به نجف اشرف و آغاز تدریس خارج مکاسب محرمه، به همراه فضلاء معاصر خویش، با شرکت در درس امام راحل، بر وزانت و گرمی حوزه درس امام راحل افزودند.

ایشان در سال ۱۳۴۹ش، جهت سر و سامان دادن به وضع شیعیان و طلاب پاکستان، به همراه عده ای از فضلا و شاگردانش به کشور پاکستان مهاجرت نمودند و پس از چند ماه اقامت در بازگشت به ایران، توسط رژیم پهلوی ممنوع الخروج گشته و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ادامه خدمت در پاکستان و نجف اشرف بازماندند. لذا در تهران اقامت گزیدند و به فعالیت های اجتماعی و مذهبی پرداختند تا سیس مدرسه معارف اسلامی جهت آموزش مبانی اسلامی برای خواهران و برادران و خدمات خیریه بجهت کمک به نیازمندان ساخت مساجد و درمانگاه های خیریه و صندوقهای خیریه قرض الحسنه متعدد از خدمات معظم له در شهر تهران است.

با اوج گیری نهضت امام فعالیت های روشنگرانه و سخنرانی ها و تظاهرات بر ضد رژیم پهلوی را سرلوحه اقدامات خویش قرار دادند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی بنا بر وظیفه شرعی، با تشکیل کمیته انقلاب اسلامی در سالهای آغازین انقلاب تمام اوقات خویش را وقف خدمت رسانی به انقلاب نمودند و با آغاز جنگ تحمیلی، بیشتر توان خویش را در کمک رسانی به رزمندگان در جبهه ها صرف نمودند.





معظم له تا سال ۱۳۷۹ش در شهر تهران به خدمات علمی و اجتماعی خویش اشتغال داشتند و از آن زمان تا کنون در شهر مقدس قم به تدریس و اقامه جماعت در مسجد جدشان (مرحوم آیت الله حاج سید صادق) و خدمات علمی و اجتماعی اشتغال دارند. سرلوحه و شعار و عمل ایشان در طول عمر با برکتشان خدمت رسانی به مردم و گره گشایی از کار ایشان بوده است. در چند سال اخیر که معظم له دچار دیسک و سیاتیک کمر شدند، به ناچار از اقامه جماعت در مسجد بازماند و هم اکنون فرزندشان حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد رضا شاه آبادی، در مسجد اقامه ی جماعت می کنند.

## ۲-۳. روزه های مسجد

مجالس روزه خوانی در مسجد «آقا» - که از زمان حاج سید صادق برگزار می شده است - ، از معتبر ترین مجالس سوگواری بر عزای سالار شهیدان در شهر مقدس قم می باشد.

آیت الله العظمی شبیری زنجانی روزه های بیت روحانی را یکی از دو روزه مهم شهر مطرح می کنند، و گویند:

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)

«روزه برقی ها از روزه بیت روحانی اقدم است، چون آسید عبد الله برقی<sup>۱</sup> زودتر از حاج سید صادق روحانی به قم آمد<sup>۲</sup>، آسید عبد الله و آسید صادق معاصر هم بودند، منتهی آسید عبد الله قدری اسن<sup>۳</sup> بود. روزه حاج سید صادق در همان مسجد مدرسه اش بود. حاج میر باقر داماد

۱. مرحوم آیت الله سید عبد الله رضوی برقی قمی (۱۲۵۰ - ۱۳۳۳ق)

۲. بازگشت آسید عبد الله ازعتبات به شهر قم در سال ۱۲۸۸ق، (تاریخ قم، ص ۲۷۸) و بازگشت حاج سید صادق به قم در سال ۱۲۹۸ق بوده است.



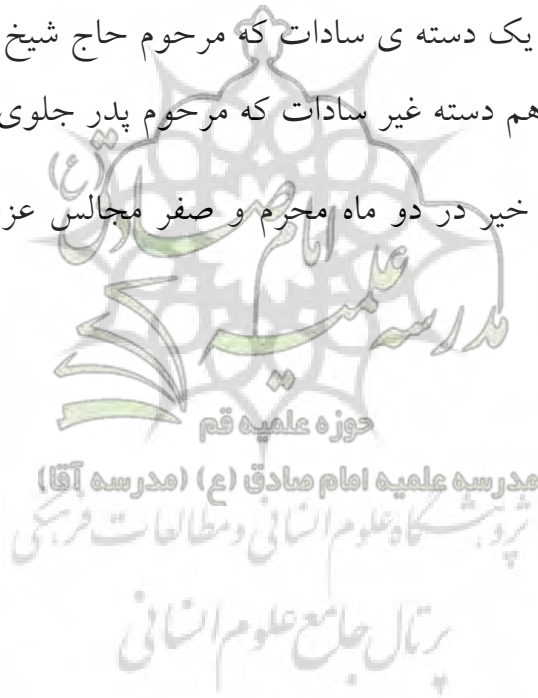


[و برادر زاده] حاج سید صادق که تاجر بود، در همسایگی خانه حاج سید مهدی روضه دیگری داشت.<sup>۱</sup>

آیت الله حاج شیخ نصر الله شاه آبادی نیز در این باره گوید:

«زمانی که مرحوم والد در قم بودند، روز عاشورا دسته ی روحانیون با پای برهنه، از مسجد آقا حاج سید صادق حرکت می کرد. مدیریت آن جا با مرحوم دایی (حاج میرزا ابوالحسن) بود. من یادم هست ایشان یک دستمال بزرگی داشتند که در آن کاه بود. یک نفر هم بود که گل دستش بود. آن شخص گل می زد و مرحوم دایی هم روی سر عزاداران کاه می ریختند. بعد گروه عزاداران، دو دسته می شدند. یک دسته ی سادات که مرحوم حاج شیخ عبد الکریم در جلوی آنها حرکت می کردند. و دیگری هم دسته غیر سادات که مرحوم پدر جلوی آنها بودند.»<sup>۲</sup>

هم اکنون نیز به همت بانیان خیر در دو ماه محرم و صفر مجالس عزاداری و وعظ و ارشاد در مسجد برقرار است.



۱. شیرینی زنجانی، سید موسی، جرعه ای از دریا، ج ۳، ص ۷۲۲.

۲. شاه آبادی، نصر الله، خاطرات (آماده چاپ)

